

بررسی موانع تولید با تأکید بر بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری خارجی و سهم سرمایه‌گذاری در (GDP)*

دکتر بهمن آرمان**

در حال حاضر درآمد سرانه برخی کشورها سالانه حدود ۴۰ هزار دلار است. در حالی که در همین زمان در برخی دیگر از کشورها افرادی هستند که ناچارند روزانه با کم‌تر از یک دلار به زندگی خود ادامه دهند. موانع تولید فقط به کشور ما محدود نمی‌شود و چه بسا کشورهایی که از نظر سطح درآمد سرانه در شرایطی به مراتب بدتر از کشور ما قرار دارند.

سازمان‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و برندگان جوایز نوبل در اقتصاد، با نقطه‌نظرهای یکجانبه خود - که فقط منافع کشورهای ثروتمند را تضمین می‌کند - سیاست‌هایی را به کشورهای در حال رشد تحمیل می‌کنند.

آنچه نگارنده را بر آن داشت تا موانع تولید را در ایران مورد ارزیابی قرار دهد؛ نتیجه ۲/۵ دهه فعالیت در ساختار اقتصادی ضدتولیدی ایران است؛ زیرا در کشور ما به راحتی می‌توان به فعالیت‌های غیرتولیدی پرداخت؛ ولی انجام فعالیت‌هایی که تولید داخلی را افزایش دهد با موانع متعددی روبه‌رو است. بنابراین در این مقاله سعی می‌شود مواردی مانند بازار سرمایه، قوانین مالیاتی، حساب ذخیره ارزی و ... مورد توجه قرارگیرد و فقط به بُعد تئوریک مسأله پرداخته نشود.

امید است آنچه به‌عنوان گلوگاه‌های تولید در این مقاله به رشته تحریر درآمده است در قفسه‌ها بایگانی نشده؛ بلکه در مراجع تصمیم‌گیری مطرح و در نهایت به سود کشور و جامعه جهانی به کارگرفته شود.

کلیدواژه‌ها: بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری

* (تولید ناخالص داخلی) Gross Domestic Product

** اقتصاددان

E-mail: Nowroz@nowroz.net

مقدمه

توسعه و خروج از مدار توسعه نیافتگی، فرایندی است که به مقدمات فراوانی نیازمند است. کشورهای پیشرفته صنعتی فعلی از زمان انقلاب صنعتی تاکنون، چندین قرن را سپری کرده تا توانسته‌اند به موقعیت امروزی خود دست یابند؛ اما پیشرفت‌های تکنولوژیکی برای توسعه اقتصادی، شرایط دیگری را پیش روی جوامع بشری قرار داده‌اند. در حال حاضر نه تنها کشورهای صنعتی، بلکه سایر کشورها نیز برای تولید تکنولوژی، کالاهای سرمایه‌ای و ماشین‌آلات تولیدی اقدامات مهمی انجام داده‌اند.

رشد سریع تکنولوژی، توسعه را چند برابر سرعت بخشیده است. کشورهای شرق آسیا در کم‌تر از دو دهه از مدار توسعه نیافتگی خارج و به جرگه کشورهای تازه صنعتی شده راه یافته‌اند.

کشور ایران با برخورداری از زیربناهای کافی و در پیش گرفتن سیاست‌های مناسب می‌تواند در یک دوره ۱۰ - ۱۲ ساله از مدار توسعه نیافتگی خارج شود. در این مطالعه تلاش شده است تا با استفاده از تجربه سایر کشورها و رفع کاستی‌های موجود در سیستم برنامه‌ریزی کشور، به موانع توسعه اقتصادی که همان کاستی‌های موجود در ساختار اقتصادی هستند پرداخته شود و در نهایت راهکارهای عملی مرتبط با آن ارائه گردد.

با وجود گذشت بیش از یک قرن از تعیین هدف ایران که همان تبدیل شدن به یک کشور پایه تولیدی و صنعتی است؛ اما هنوز هم این کشور، یک کشور در حال رشد شناخته می‌شود و پاسخ به این ابهام در واقع دستیابی به حلقه مفقوده رشد نیافتگی ایران است.

صنعت، موتور محرکه تولید و توسعه اقتصادی است. به عبارتی دستیابی به ابزارهای تولید صنعتی می‌تواند کشوری را از مدار توسعه نیافتگی خارج کند. بنابراین کشورهایی که از مدار توسعه نیافتگی خارج شده‌اند به اصطلاح «کشورهای تازه صنعتی شده»^۱ (N.I.C) نامیده می‌شوند. همچنین اصطلاح «کشورهای پیشرفته صنعتی»^۲ (I.C) برای کشورهای صاحب تکنولوژی به کار می‌رود.

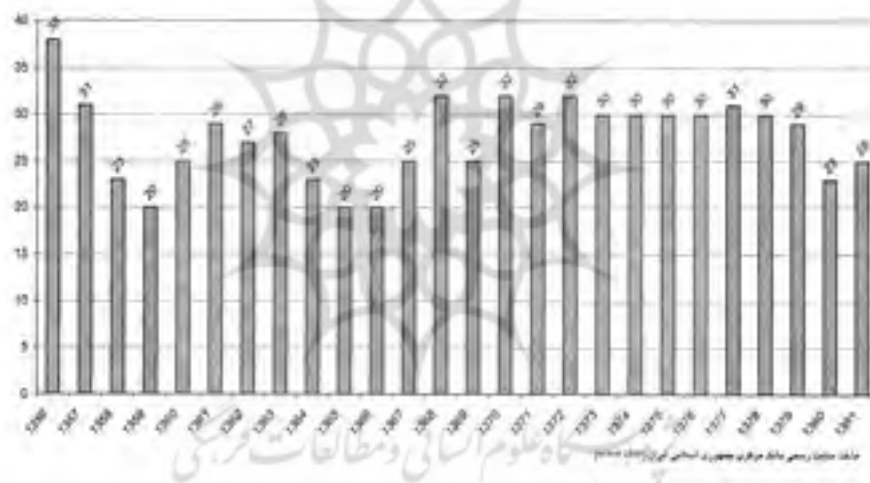
فرایند صنعتی شدن ایران از ابتدای قرن فعلی آغاز شد؛ اما با وجود درآمدهای نفتی تاکنون کشور صنعتی نشده است. سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی در ایران حدود ۱۶ درصد است (البته براساس آمارهای غیررسمی این سهم در سال ۱۳۸۳ به ۱۷ درصد افزایش

-
1. Newly Industrial Countries
 2. Industrial Countries

یافت). در حالی که همین سهم در ترکیه و چین به ترتیب برابر ۲۷ و ۴۱ درصد است. براساس استانداردهای جهانی، کشوری را می‌توان تازه صنعتی شده و پایه تولیدی نامید که سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی آن حداقل ۲۵ درصد باشد.

براساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سهم صنعت در تشکیل سرمایه ناخالص داخلی (F.C.F)^۱ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۷ در سال ۱۳۵۶، برابر ۳۸ درصد بود و در سال ۱۳۶۷ به علت عواقب بعد از جنگ به ۲۵ درصد کاهش یافت و بعد از آن در سال ۱۳۸۱ با در پیش گرفتن سیاست‌های غیرتوسعه‌ای، مجدداً به همان ۲۵ درصد سال پایان جنگ بازگشت. به عبارتی با توجه به گذشت بیش از بیست سال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز سهم صنعت در سرمایه ناخالص داخلی به رقم سال ۱۳۵۶ نرسیده است. (نمودار ۱).

نمودار ۱. سهم سرمایه‌گذاری صنعتی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۱ (واحد: سهم)



میزان تشکیل سرمایه در بخش صنعت به قیمت‌های ثابت از ۴۲,۷۸۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ به ۳۵,۲۰۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۲ کاهش یافت. متأسفانه میزان سرمایه‌گذاری سرانه به قیمت ثابت در بخش صنعت و معدن - که موتور اصلی تولید است -

1. Fix Capital Formation

از ۱,۲۲۲ هزار ریال در سال ۱۳۵۶ به ۵۲۸ هزار ریال در سال ۱۳۸۲ تنزل یافته است.^۱ ریشه‌های این نتایج منفی، به‌عنوان موانع اصلی تولید، همواره به‌طور سنتی در اقتصاد ایران مطرح بوده‌اند. بررسی‌های انجام شده به‌وسیله نهادهای پژوهشی مستقل بین‌المللی نشان‌دهنده این واقعیت است که رشد سریع اقتصادی در کشورهای جنوب شرقی آسیا (موسوم به بیره‌های آسیا) از سه عامل کلیدی تأثیر پذیرفته است که عبارتند از:

۱. نسبت بالای سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی،

۲. استفاده گسترده از بازار سرمایه،

۳. استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی.

در بخش بعدی مقاله، عوامل سه‌گانه بالا بررسی خواهد شد.

۱. بررسی عوامل مؤثر بر رشد سریع اقتصادی و ارتقای سطح تولید

۱-۱. سرمایه‌گذاری

در ابتدا مسأله سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ زیرا در اقتصاد بر مبنای یک اصل اساسی، افزایش درآمد ملی زمانی امکانپذیر است که میزان سرمایه‌گذاری افزایش یابد. بنابراین در کشورهای جنوب شرق آسیا که از رشد اقتصادی بالایی برخوردارند این نسبت (سرمایه‌گذاری به GDP) به مدت ۱/۵ دهه حتی از ۳۵ درصد^۲ تولید ناخالص داخلی بالاتر بود. هر چند در ایران نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ در حد بالا و بیش‌تر بر فعالیت‌های مولد متمرکز بود؛ اما این نسبت با پیروزی انقلاب اسلامی و بی‌ثباتی‌های طبیعی بعد از آن و جنگ تحمیلی، در سال پایانی جنگ (سال ۱۳۶۷) این نسبت به ۱۸ درصد کاهش یافت؛ اما با آغاز به‌کار دولت اول، به علت در پیش گرفتن سیاست‌های توسعه‌ای، این نسبت افزایش یافت و در سال ۱۳۷۱ به بالاترین حد یعنی ۴۸ درصد رسید؛ اما با توجه به بحران ارزی و بی‌توجهی به سیاست‌های توسعه‌ای این نسبت نیز دچار نوساناتی شد (نمودار ۲).

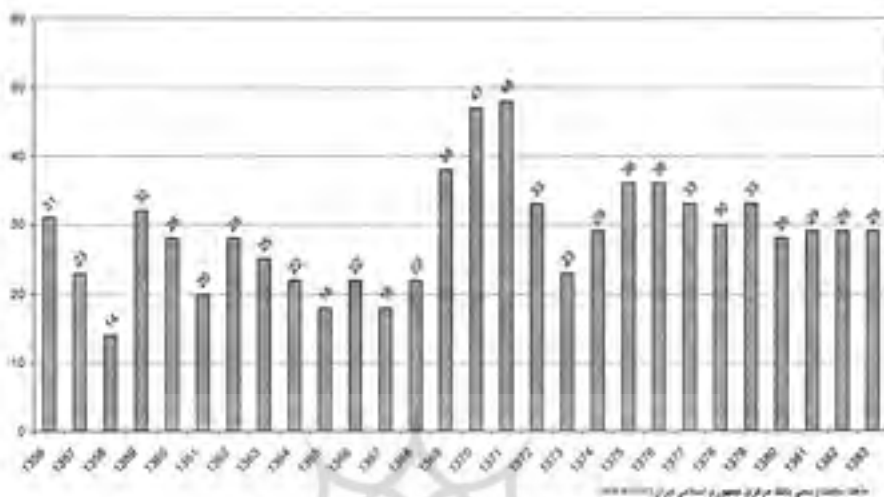
۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۲، سایت رسمی بانک مرکزی.

<http://www.cbi.ir>

2. International Monetary Fund (I.M.F) Report. (<http://www.imf.org/external/data.htm>)

بررسی موانع تولید با تأکید بر بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری خارجی و ... ۱۴۹

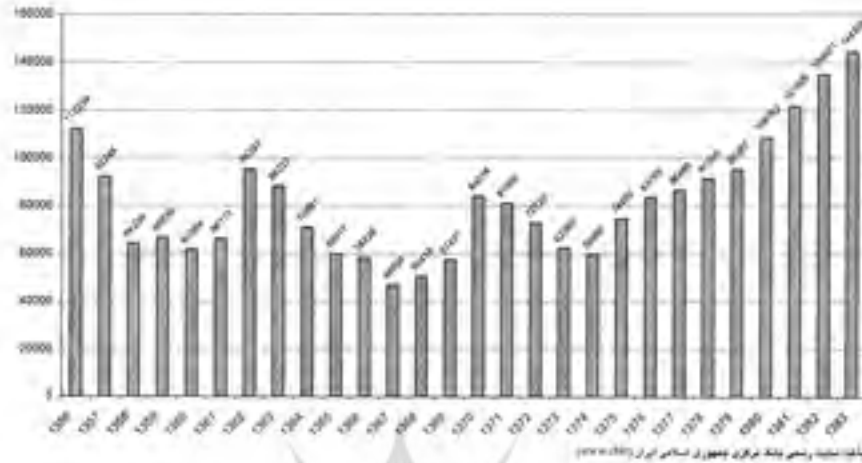
نمودار ۲. نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۳ (واحد: سهم)



در واقع باید گفت با وجود روند به نسبت متعادل نمودار ۲ این نسبت‌ها به‌خودی‌خود چندان معنادار نبوده و به تجزیه و تحلیل دقیق‌تری نیاز دارند. از این‌رو میزان تشکیل سرمایه به قیمت‌های ثابت از سال ۱۳۵۶ (سال مبنا) تا سال ۱۳۸۳ مورد بررسی قرار گرفته است (نمودار ۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

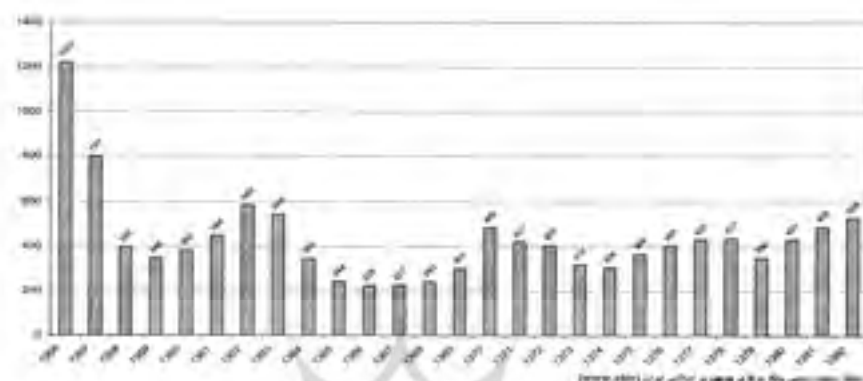
نمودار ۳. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت‌های ثابت در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۳ (واحد: هزار ریال)



همان‌طور که مشاهده می‌شود میزان تشکیل سرمایه از ۱۱۲,۲۳۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ به ۶۲,۳۹۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ کاهش یافته که رشد منفی ۴۴ درصدی را نشان می‌دهد؛ اما از سال ۱۳۷۳ این شاخص روند صعودی داشته به طوری که در سال ۱۳۸۳ به ۱۴۴,۳۵۹ میلیارد ریال رسیده است. چنین روندی در عمل نمایانگر این واقعیت است که با وجود دو برابر شدن جمعیت کشور، میزان تشکیل سرمایه در همین زمان حدود ۲۹ درصد رشد یافته است. نکته قابل تأمل دیگر آن که میزان سرمایه‌گذاری سرانه (به‌عنوان یک عامل کلیدی) روند منفی قابل توجهی را نشان می‌دهد (نمودار ۴).

نمودار ۴. سرمایه‌گذاری صنعتی سرانه به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۳

(واحد: هزار ریال)



براساس نمودار بالا، میزان سرمایه‌گذاری صنعتی سرانه (سال ۱۳۵۶) به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ برابر ۱,۲۲۲ هزار ریال بوده که در سال پایانی جنگ به ۲۲۷ هزار ریال کاهش و در سال‌های سازندگی، اندکی افزایش یافته است و در نهایت در سال ۱۳۸۳ به ۵۲۸ هزار ریال محدود شد که با سال مبنا فاصله زیادی دارد (۵۷ درصد کم‌تر از سال ۱۳۵۶). به عبارتی در این شاخص هنوز به ارقام پیش از پیروزی انقلاب اسلامی دست نیافته‌ایم.

مهم‌ترین نکته در رابطه با کشورهای در حال رشد مسأله سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی آنان است؛ زیرا این گروه از کشورها زمانی می‌توانند از مدار توسعه‌نیافتگی خارج شده و به گروه کشورهای تازه صنعتی شده بپیوندند که سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی آن‌ها حداقل برابر ۲۵ درصد باشد.

همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده شد؛ در سال ۱۳۵۶ (سال پایه) سهم سرمایه‌گذاری صنعتی در تشکیل سرمایه ثابت صنعت در تولید ناخالص داخلی برابر ۳۸ درصد بود که این نسبت با پیروزی انقلاب اسلامی و بی‌ثباتی‌های طبیعی پس از آن و جنگ با عراق، در سال پایانی جنگ یعنی سال ۱۳۶۷ به ۲۵ درصد کاهش یافت؛ اما با استقرار نخستین دولت پس

از جنگ، نشانه‌هایی از بهبود وضعیت مشاهده می‌شود؛ به طوری که در سال ۱۳۷۰ این نسبت به ۳۲ درصد افزایش یافت؛ اما به دنبال کند شدن روند توسعه صنعتی در کشور، مجدداً کاهش یافته و در نهایت در سال ۱۳۸۱ به ۲۵ درصد رسید که این نسبت با ظرفیت‌های اقتصاد ایران و استانداردهای جهانی متناسب نیست.

به هر حال بررسی‌ها بیانگر این واقعیت است که روند مربوط به شاخص سرمایه‌گذاری - که نخستین عامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری تولید داخلی یا تولید ملی است - مطلوب نبوده و در نتیجه اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عاملی که می‌توانست در شکل‌گیری تولید نقش داشته باشد، نه فقط عملکرد مؤثری نداشت؛ بلکه به عنوان یک مانع اساسی بر سر راه تولید قرار گرفت.

۲-۱. بازار سرمایه

همان‌طور که در مقدمه بیان شد؛ یکی از ابزارهای تأثیرگذار بر فرایند توسعه اقتصادی سریع کشورهای شرق آسیا، استفاده گسترده این کشورها از امکانات بازار سرمایه بود. بنابراین در این بخش برای بیان این که ایران در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا چه حد از چنین مکانیسمی سود برده است؛ بعضی اطلاعات کلیدی به‌طور مقایسه‌ای ارائه می‌شود.

۱-۲-۱. ارزش جاری سهام

مهم‌ترین نکته به‌عنوان آمار پایه، ارزش جاری سهام بورس‌های اوراق بهادار است. در این باره گفتنی است که ارزش جاری سهام با اندازه اقتصاد یا به عبارتی میزان تولید ناخالص داخلی هر کشور ارتباط مستقیمی دارد. بنابراین در ادامه ارزش جاری سهام در ۵ بورس بزرگ کشورهای پیشرفته جهان و ۵ بورس کشورهای تازه صنعتی شده و ایران اشاره می‌شود (جداول ۱ و ۲).

جدول ۱. ارزش جاری سهام در ۵ بورس بزرگ کشورهای پیشرفته جهان
صنعتی در سال ۲۰۰۳
(واحد: میلیارد دلار)

| ارزش جاری سهام | بورس |
|----------------|-----------|
| ۱۱,۵۳۴ | نیویورک |
| ۱۲۷۰ | فرانکفورت |
| ۱۴۴۶ | پاریس |
| ۳۱۵۷ | توکیو |
| ۲۶۱۲ | لندن |

مأخذ: گزارش سالانه فدراسیون جهانی بورس‌های اوراق بهادار.
Yearly Federation Internationale des Bourses de Valeur
(F.I.B.V) REPORT 2003

جدول ۲. ارزش جاری سهام در ۵ بورس کشورهای تازه صنعتی شده
و ایران در سال ۲۰۰۳
(واحد: میلیارد دلار)

| ارزش جاری سهام | بورس |
|----------------|-----------|
| ۶۲۳ | هنک‌کنگ |
| ۲۴۷ | تایپه |
| ۱۴۸ | سئول |
| ۱۱۳ | کوآلامپور |
| ۲۹ | بانکوک |
| ۵/۹ | تهران |

مأخذ: گزارش سالانه فدراسیون جهانی بورس‌های اوراق بهادار.
Yearly Federation Internationale des Bourses de Valeur
(F.I.B.V) REPORT 2003

همان‌طور که مشاهده می‌شود ارزش جاری سهام در بورس تهران ۵/۹ میلیارد دلار است که با ارزش جاری سهام کشورهای مشابه فاصله زیادی دارد.

۲-۱-۲. میزان دادوستد

یکی دیگر از شاخص‌های اساسی در این‌باره، میزان دادوستد اوراق بهادار در بورس‌های جهان است که متأسفانه بورس اوراق بهادار تهران از نظر میزان دادوستد نسبت به سایر

بورس‌های اوراق بهادار جهان در رده بسیار پایینی قرار دارد. بنابراین از این نظر تهران دارای بورس بسیار کوچکی است.

جدول ۳. حجم سهام معامله شده در تعدادی از بورس‌های جهان
در سال ۲۰۰۳ (واحد: میلیارد دلار)

| بورس | حجم سهام معامله شده |
|-----------|---------------------|
| نیویورک | ۱۱,۰۶۰ |
| فرانکفورت | ۲,۱۹۸ |
| میلان | ۱,۰۱۹ |
| توکیو | ۲,۳۱۵ |
| استانبول | ۱۷۹ |
| تایپه | ۹۸۶ |
| کوآلامپور | ۵۲ |
| تهران | ۱ |

مأخذ: گزارش سالانه فدراسیون جهانی بورس‌های اوراق بهادار.

Yearly Federation Internationale des Bourses de Valeur
(F.I.B.V) REPORT 2003

۳-۲-۱. انتشار اوراق قرضه

رسالت اصلی بورس‌های اوراق بهادار تأمین منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاری‌های جدید بنگاه‌های اقتصادی است. شرکت‌های پذیرفته شده در بورس‌های اوراق بهادار اصلی‌ترین منتشرکنندگان اوراق قرضه هستند (جدول ۴).

جدول ۴. اوراق قرضه منتشره در تعدادی از بورس‌های جهان
در سال ۲۰۰۳ (واحد: میلیارد دلار)

| اوراق قرضه منتشره | بورس |
|-------------------|----------|
| ۲,۵۴۸ | توکیو |
| ۲,۱۲۴ | نیویورک |
| ۱,۰۰۱ | میلان |
| ۷۳۱ | پاریس |
| ۳۳۵ | ستول |
| ۸۹ | هنگ کنگ |
| ۵۴/۴ | استانبول |
| صفر | تهران |

مأخذ: گزارش سالانه فدراسیون جهانی بورس‌های اوراق بهادار.
Yearly Federation Internationale des Bourses de Valeur
(F.I.B.V) REPORT 2003

همان‌طور که مشاهده می‌شود اوراق قرضه منتشره در بورس توکیو مبلغ ۲,۵۴۸ میلیارد دلار است در حالی که در بورس تهران حتی یک دلار اوراق قرضه نیز منتشر نمی‌شود. همچنین عملکرد بورس تهران با بورس‌های کشورهای تازه صنعتی شده قابل مقایسه نیست.

۴-۲-۱. تعداد شرکت‌های پذیرفته شده

اگرچه تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس‌های اوراق بهادار نمایانگر میزان نفوذ بورس اوراق بهادار در ساختار اقتصادی کشورهاست؛ اما اشاره صرف به تعداد شرکت‌ها معنای خاصی در برنارد زیرا آنچه از اهمیت بیش‌تری برخوردار است، ارزش جاری سهام شرکت‌هاست. به هر حال گفتنی است که بورس تهران با تلاش‌های انجام گرفته در سال‌های اخیر از موقعیت مناسبی در میان سایر بورس‌های جهان برخوردار است.

۳-۱. سرمایه‌گذاری خارجی

همان‌طور که در مقدمه بیان شد؛ استفاده گسترده کشورهای شرق آسیا از سرمایه‌گذاری خارجی، به‌عنوان یکی از ابزارهای سه‌گانه در سه دهه گذشته به رشد سریع اقتصادی و خروج این گروه از کشورها از مدار توسعه‌نیافتگی منجر شد. سرمایه‌گذاری خارجی خود به

معنای تأمین منابع مالی نیست؛ بلکه با ورود سرمایه خارجی، تکنولوژی مدرن، ابزار نوین تولید، مدیریت کارآمد و سهمی از بازار جهانی نیز به آن کشور وارد می‌شود. آمارهای منتشره از نهادهای مالی بین‌المللی، نمایانگر افزایش پیوسته میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سراسر جهان است (جدول ۵).

جدول ۵. مقایسه جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۴ (واحد: میلیارد دلار)

| سال | عنوان | |
|------|-------|-----------------------|
| ۲۰۰۴ | ۱۹۹۴ | |
| ۳۸۰ | ۲۵۶ | کشورهای پیشرفته صنعتی |
| ۲۳۲ | ۱۳۸ | کشورهای در حال رشد |
| ۶۱۲ | ۳۹۴ | جمع کل |

Source: Yearly Report, 2003, United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD). <http://www.unctad.org>.

همان‌طور که از ارقام مندرج در جدول ۵ استنباط می‌شود؛ میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۳۹۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ به ۶۱۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته است. اما نکته بسیار مهم این که بخش عمده سرمایه‌گذاری مستقیم در جهان به کشورهای پیشرفته صنعتی اختصاص داشته که در این میان سهم کشورهای در حال رشد به استثنای چین بسیار اندک بوده و چنین امری عملاً نمایانگر این واقعیت است که کشورهای پیشرفته صنعتی در یک رویکرد نابرابر به انتقال دانش فنی و سرمایه خود به کشورهای در حال رشد، تمایلی ندارند.

در این باره ایران فقط دارای یک نوع آمار منتشره و آن میزان درخواست‌های مورد پذیرش از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی است. این آمارها از اهمیت زیادی برخوردار نیست زیرا میزان سرمایه‌گذاری‌های محقق شده را در بر نمی‌گیرد؛ اما واقعیت این است که سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران دارای جایگاه مناسبی نیست و ایران هنوز بنا به دلایل گوناگون نتوانسته است از چنین ابزاری بهره‌مند شود.

۲. راهکارهای خروج از بحران فعلی

همان‌طور که از بررسی شاخص‌های سه بخش سرمایه‌گذاری، بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی مشاهده می‌شود، متأسفانه عملکرد اقتصادی ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نمایانگر این واقعیت است که از ابزارهای سه‌گانه - که موجب رشد سریع اقتصادی در کشورهای شرق آسیا شده‌اند - استفاده چندانی نشده است. بنابراین در این بخش راهکارهای خروج از بحران فعلی با هدف دستیابی به رشد اقتصادی بالا و افزایش سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی و رساندن آن از ۱۷ درصد فعلی به حداقل ۲۵ درصد^۱ و پیوستن به جرگه کشورهای تازه صنعتی شده، ارائه می‌شود:

۲-۱. اصلاح مکانیسم حساب ذخیره ارزی

ایران در بسیاری موارد از تکنولوژی ساخت کارخانه‌های صنعتی برخوردار نیست؛ بنابراین باید ماشین‌آلات و تجهیزات مربوط به این حوزه را به کشور وارد کند. به عبارتی هزینه ارزی ساخت واحدهای صنعتی در ایران بسیار بالاست. درآمدهای ناشی از فروش نفت خام، منبع مالی مناسبی برای تأمین هزینه‌های ارزی واردات کالاهای سرمایه‌ای است؛ اما متأسفانه براساس آمار معاونت توسعه و فناوری وزارت صنایع و معادن، باید اذعان داشت که از ۱۰۳ میلیارد دلار درآمد ارزی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فقط ۶/۲ میلیارد دلار برای واردات کالاهای سرمایه‌ای به بخش خصوصی پرداخت و مابقی به مواردی مانند مصرف و هزینه‌های جاری اختصاص داده شد.

پیش‌بینی مکانیسم حساب ذخیره ارزی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با عنوان ماده (۶۰) و واریز بخشی از مازاد درآمد نفت به این حساب و اختصاص ۵۰ درصد از موجودی آن به سرمایه‌گذاری‌های مولد بخش خصوصی، هر چند برای اقتصاد کشور نوید بسیار خوبی بود؛ اما در عمل چنین نشد. به طوری که براساس آمار در پایان برنامه سوم مشخص شد که دولت، حدود ۸۲ درصد از موجودی حساب را برداشت کرده و بخش مولد خصوصی از این حساب سهم بسیار اندکی داشته است. اما با وجود سهم اندک بخش مولد خصوصی از این حساب، سرمایه‌گذاری‌های سنگینی با بهره‌گیری از مکانیسم حساب ذخیره ارزی - که پیش از این تصور آن هم نمی‌رفت - امکان‌پذیر کنند که از آن

1. International Monetary Fund (I.M.F) Report. (<http://www.imf.org/external/data.htm>)

جمله می‌توان به مجتمع پتروشیمی کرمانشاه (به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری غرب کشور) با حجم سرمایه‌گذاری ارزی بالغ بر ۲۶۴ میلیون دلار، ذوب آهن لرستان با ظرفیت ۲ میلیون تن ورق گرم در سال، بزرگ‌ترین کارخانه پارچه‌بافی بخش خصوصی خاورمیانه در استان محروم اردبیل با حجم سرمایه‌گذاری ارزی بالغ بر ۱۰۳ میلیون یورو، ۴۵ کارخانه سیمان و ده‌ها کارخانه دیگر اشاره کرد.

با شروع به کار دولت جدید و با توجه به این‌که در بودجه سال ۱۳۸۴ مبلغ ۸ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری‌های مولد در نظر گرفته شده بود؛ روند تزریق مازاد درآمدهای نفتی به سرمایه‌گذاری‌های مولد متوقف شد (جدول ۶).

جدول ۶. طرح‌های گشایش اعتبار شده از محل حساب ذخیره ارزی در

سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴

| ردیف | سال | تعداد | مبلغ ارز گشایش شده |
|--------|-----------|-------|--------------------|
| ۱ | ۱۳۸۱-۱۳۸۰ | ۳۲۱ | ۱۲۸۶/۲ |
| ۲ | ۱۳۸۲ | ۲۶۳ | ۲۵۴۹/۱ |
| ۳ | ۱۳۸۳ | ۲۲۷ | ۲۰۲۴/۶ |
| ۴ | ۱۳۸۴ | - | ۱۱۰۰ |
| جمع کل | | | ۶۹۵۹/۹ |

مأخذ: براساس آمار معاونت توسعه و فناوری، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۸۵.

بنابراین در راستای ایجاد تحرک در فعالیتهای اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و ایجاد اشتغال، باید مکانیسم ذخیره ارزی همانند سال‌های گذشته هرچه زودتر فعال شود.

۲-۲. تقویت نقش مؤسسه‌های اعتباری توسعه‌ای

بررسی‌های انجام گرفته درباره ابزارهای تأمین‌کننده منابع مالی مورد نیاز فرایند توسعه اقتصادی در کشورهای گوناگون اعم از کشورهای پیشرفته صنعتی و تازه صنعتی شده و همچنین سیاست‌های به‌کار گرفته شده پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نمایانگر استفاده از ابزارهایی مانند بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری توسعه‌ای است. عملکرد این مؤسسه‌ها به این صورت است که دولت با حمایت از آن‌ها منابع مالی ارزان‌قیمت را در

اختیارشان قرار می‌دهد و این نهادها با شرایط آسان، نرخ‌های پایین و دوره‌های بازپرداخت بلندمدت، منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاری‌های جدید را برای درخواست‌کنندگان تأمین می‌کنند. وجود بانک توسعه صنعتی و معدنی، مؤسسه تسهیلات اعتباری، شرکت سرمایه‌گذاری بانک‌ها و نهادهای مشابه دیگر در ایران، پیش از انقلاب اسلامی نمایانگر نقش گسترده چنین نهادهایی در توسعه بخش صنعت و معدن کشور بود که متأسفانه پس از انقلاب و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر ملی شدن بانک‌ها، این نهادها در یکدیگر ادغام شده و بانک صنعت و معدن به‌وجود آمد که این بانک هیچ‌گاه نتوانست نقش توسعه‌ای گذشته را ایفا کند.

برای مثال می‌توان به صندوق توسعه صنعتی عربستان سعودی (S.A.I.D.F)^۱ اشاره کرد که وام‌هایی تا سقف ۵۰ میلیون دلار با بهره تقریباً صفر درصد و دوره بازپرداخت دهساله در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد اتحادیه اروپا (E.U) نیز با تأسیس صندوق ویژه‌ای برای توسعه مناطق کم‌تر توسعه‌یافته وام‌های ارزان قیمت با دوره بازپرداخت بلندمدت ارائه می‌دهد.

بنابراین از آنجایی که خلأ ناشی از نبود چنین نهادهایی به ساختار اقتصادی کشور آسیب فراوان وارد کرده، ضروری است در راستای احیای این نهادها به‌عنوان حلقه مفقوده توسعه اقتصادی کشور، اقدام لازم انجام گیرد.

۲-۳. بازبینی در قانون تجمیع عوارض

واحدهای تولیدی بیش‌تر کشورها فقط پرداخت‌کننده مالیات هستند و اصولاً وجوهی با عنوان عوارض از بنگاه‌های تولیدی دریافت نمی‌شود، زیرا پرداخت عوارض مخصوص فعالیت‌هایی است که برای جامعه مضر باشند، مانند سیگار، مشروبات الکلی، قمارخانه‌ها و ... بنابراین وجود قانونی با عنوان قانون تجمیع عوارض برای تولید مفید نبوده و به‌طور کلی می‌بایستی لغو شود؛ زیرا بار مالی سنگینی بر تولیدکنندگان تحمیل کرده و تولید داخلی را غیر رقابتی می‌سازد.

1. Saudi Arabia Industrial Development Fund.

۲-۴. بازبینی در قانون مالیات‌های مستقیم

قانون مالیات‌های مستقیم در ایران - که بارها مورد بازبینی قرار گرفته است - در راستای حمایت از تولید و گسترش بازار سرمایه نیست. بنابراین باید در این قانون اصلاحات ساختاری ویژه‌ای انجام شود که اهم این اصلاحات عبارتند از:

- الف) معافیت از هرگونه مالیات بر سود اختصاص داده شده به سرمایه‌گذاری مجدد برای انباشت سرمایه و تشویق شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری همانند سایر کشورها،
 ب) در نظر گرفتن بخشودگی‌های مالیاتی ویژه همانند گذشته با هدف ایجاد انگیزه برای شرکت‌ها در ورود به بورس اوراق بهادار و تقویت بازار سرمایه،
 ج) در نظر گرفتن بخشودگی مالیاتی برای سهامداران جزء با هدف ایجاد انگیزه در آنان برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مولد اقتصادی.

۲-۵. لغو بخشنامه دولت در خصوص ممنوعیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی

براساس برخی از بخشنامه‌های دولت، شرکت‌های دولتی از انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید منع شده‌اند. در حالی که بر مبنای اصل ۴۴ قانون اساسی، صنایع مادر و استراتژیک می‌بایستی در کنترل دولت باشند. همچنین فضای کشور به گونه‌ای است که بخش خصوصی اصولاً از توان مالی، تخصصی و اجرایی کافی برای انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و بزرگ برخوردار نیست. از این رو بخش خصوصی از زمان تشکیل حساب ذخیره ارزی و آمادگی دولت برای ارائه تسهیلات ارزی به این بخش در انجام سرمایه‌گذاری‌های مولد، فقط برای تعداد اندکی از طرح‌هایی که دارای سرمایه‌گذاری ارزی بیش‌تر از ۱۰۰ میلیون دلار بوده‌اند، اظهار تمایل کرده است. بنابراین در چنین وضعیتی چگونه می‌توان انتظار داشت که بخش خصوصی جایگزین بخش دولتی شده و طرح‌های بزرگی مانند توسعه فولاد مبارکه را با هزینه ارزی بالغ بر ۱ میلیارد دلار به اجرا گذارد یا مجتمع پتروشیمی در ابعاد اولفین ۱۱ را با حجم سرمایه‌گذاری بالغ بر ۱/۲ میلیارد دلار بسازد. چنین بخشنامه‌هایی با منافع ملی کشور در تضاد است و لغو آن می‌تواند فضای سرمایه‌گذاری را در کشور گسترش دهد.

۲-۶. افزایش نقش بازار سرمایه در تجهیز منابع مالی

براساس مطالب پیشین، سهم بازار سرمایه در تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری‌های جدید در کشورهای پیشرفته صنعتی حدود ۶۰ درصد و در کشورهای تازه صنعتی شده حدود ۳۰

درصد و در بهترین وضعیت این نسبت در ایران حدود ۴ درصد بوده است که به هیچ وجه با نیازهای کشور متناسب نیست.^۱ بنابراین می‌بایستی بازار اولیه را به گونه‌ای سامان داد تا شرکت‌های تازه تأسیس شده و شرکت‌های موجود نسبت به عرضه سهام، اوراق مشارکت و اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام تمایل پیدا کرده و علاوه بر منابع مالی، سیستم بانکی به‌عنوان یک منبع مطمئن تأمین منابع مالی به‌کار گرفته شود.

۲-۷. بازبینی تعیین قیمت انرژی و استفاده از مزایای نسبی کشور

براساس آمار سازمان جهانی تجارت (WTO)،^۲ جغرافیای تولید جهان در حال دگرگونی است و تولید کالاهای مختلف در مناطقی که از مزایای نسبی در تولید برخوردارند، رو به افزایش است برای مثال ما حرکت بسیار سریع صنایع انرژی‌بر و مرتبط به نفت و گاز طبیعی از جمله صنایع انرژی‌بر آلومینیوم - که از آن به‌عنوان انرژی جامد^۳ نام برده می‌شود - صنایع فولاد و صنایع پتروشیمی را به‌سوی منطقه خلیج فارس شاهد هستیم.

به پیش‌بینی محافل معتبر جهان تا سال ۲۰۱۵، حدود ۲۰ درصد ظرفیت تولید آلومینیوم جهان در منطقه خلیج فارس متمرکز می‌شود. رشد صنایع اولیه پتروشیمی^۴ و صنایع انرژی‌بر فولاد در این منطقه خیره‌کننده است و همه کشورهای منطقه به استثنای ایران دارای برنامه‌های گسترده‌ای در این زمینه هستند و به سرمایه‌گذاری‌های سنگین اقدام می‌کنند تا در مسابقه تغییر جغرافیای تولید جهانی برنده شوند.

جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای منطقه خلیج فارس از توان بالای تولید برخوردار است. زیرا دارای بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی، ذخایر کشف شده نفت (بالغ بر ۱۳۰ میلیارد بشکه) و ذخایر معدنی گوناگون و فراوانی است که می‌تواند با فراوری آن کالاهای با ارزش افزوده بالا تولید کند.

متأسفانه در کشور ما به علت اتخاذ برخی سیاست‌های نادرست، قیمت انرژی صنعتی از قیمت انرژی خانگی بیش‌تر است که این امر نه فقط مزایای موجود در زمینه انرژی را از میان برده، بلکه در مصرف انرژی به اسراف انجامیده است. برای مثال، میزان مصرف گاز

۱. بهمن آرمان، «نقش بازار سرمایه در تأمین سرمایه‌گذاری‌های جدید»، بخش بررسی‌های اقتصادی، انتشارات بورس اوراق بهادار.

2. World Trade Organization

3. Solid Fuel

4 Primary Petrol Chemical Industry

طبیعی در کشور صنعتی نشده‌ای مانند ایران با کشور آلمان که سومین قدرت صنعتی و اقتصادی جهان است فاصله چندانی ندارد. بنابراین آنچه می‌باید در دستور کار قرار گیرد معکوس کردن چنین حالتی است تا تولیدات صنعتی ایران بتوانند از قدرت رقابتی کافی در بازارهای جهانی برخوردار شوند.

اکنون به مقایسه قیمت برق و گاز در برخی کشورهای منتخب و ایران می‌پردازیم (جدول ۷ الی ۱۰).

جدول ۷. قیمت برق مصارف صنعتی و خانگی در برخی کشورها

(واحد: دلار - کیلووات)

| قیمت | | کشور |
|-------------|-------------|---------|
| مصارف خانگی | مصارف صنعتی | |
| ۰/۱۶ | ۰/۰۸ | اتریش |
| ۰/۱۵ | ۰/۰۵ | بلژیک |
| ۰/۰۶ | ۰/۰۴ | کانادا |
| ۰/۱۲ | — | فرانسه |
| ۰/۱۵ | ۰/۰۶ | آلمان |
| ۰/۰۳ | ۰/۰۷ | هند |
| ۰/۱۵ | ۰/۰۹ | ایتالیا |
| ۰/۲۴ | ۰/۱۷ | ژاپن |
| ۰/۱۳ | ۰/۰۹ | سوئیس |
| ۰/۰۸ | ۰/۰۴ | امریکا |

Source: www.iea.org

جدول ۸. قیمت گاز مصارف صنعتی و خانگی در برخی کشورها

(واحد: دلار - مترمکعب)

| قیمت | | کشور |
|-------------|-------------|--------|
| مصارف خانگی | مصارف صنعتی | |
| ۰/۳۹۳ | ۰/۱۴۵ | اتریش |
| ۰/۳۸۳ | ۰/۱۳۱ | بلژیک |
| ۰/۲۱۲ | ۰/۰۸ | کانادا |

جدول ۸. قیمت گاز مصارف صنعتی و خانگی در برخی کشورها
(واحد: دلار - مترمکعب)

| کشور | قیمت | |
|---------|-------------|-------------|
| | مصارف خانگی | مصارف صنعتی |
| فرانسه | ۰/۳۸۰ | ۰/۱۳۵ |
| آلمان | ۰/۲۸۲ | ۰/۱۶۲ |
| ایتالیا | ۰/۶۳۹ | ۰/۱۷۱ |
| ژاپن | ۱/۱۹۶ | ۰/۳۸۶ |
| سوئیس | ۰/۴۱۲ | ۰/۲۱۵ |
| امریکا | ۰/۲۵۷ | ۰/۱۱۹ |

Source: www.iea.org

جدول ۹. قیمت متوسط فروش گاز طبیعی در ایران سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۲
(واحد: ریال - مترمکعب)

| نوع مصرف | ۱۳۷۸ | ۱۳۷۹ | ۱۳۸۰ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۲ | نرخ رشد ۱۳۸۲ به ۱۳۸۱ (درصد) |
|---------------|------|------|------|-------|------|-----------------------------|
| خانگی (متوسط) | ۵۰ | ۵۵ | ۶۰/۵ | ۶۷/۸ | ۷۵ | ۱۰/۶ |
| صنعتی | ۹۵ | ۱۰۴ | ۱۱۵ | ۱۲۱/۷ | ۱۳۱ | ۷/۶ |

مأخذ: قیمت‌های سالانه اعلام شده توسط شرکت ملی گاز ایران در بودجه سالانه شرکت و مصوبات قانونی بودجه عمومی کشور در سال‌های مختلف.

جدول ۱۰. متوسط برق در ایران در بخش‌های مختلف مصرف
در سال‌های ۱۳۶۳ الی ۱۳۸۲

| سال | خانگی | صنعتی |
|------|-------|-------|
| ۱۳۶۳ | ۴/۲۰ | ۱/۶۰ |
| ۱۳۶۴ | ۴/۲۰ | ۱/۵۶ |
| ۱۳۶۵ | ۴/۵۰ | ۲/۵۶ |
| ۱۳۶۶ | ۵/۲۳ | ۳/۶۰ |
| ۱۳۶۷ | ۵/۲۷ | ۳/۷۰ |
| ۱۳۶۸ | ۵/۵۲ | ۳/۷۰ |
| ۱۳۶۹ | ۵/۷۰ | ۷/۵۰ |
| ۱۳۷۰ | ۷/۰۰ | ۹/۳۶ |

جدول ۱۰. متوسط برق در ایران در بخش‌های مختلف مصرف در سال‌های ۱۳۶۳ الی ۱۳۸۲

| سال | خانگی | صنعتی |
|------|-------|--------|
| ۱۳۷۱ | ۹/۸۶ | ۱۵/۷۵ |
| ۱۳۷۲ | ۱۱/۸۰ | ۱۸/۰۰ |
| ۱۳۷۳ | ۱۵/۵۰ | ۴۳/۹۸ |
| ۱۳۷۴ | ۲۰/۴۵ | ۵۳/۰۵ |
| ۱۳۷۵ | ۲۶/۰۸ | ۶۶/۴۶ |
| ۱۳۷۶ | ۳۱/۲۰ | ۸۳/۶۱ |
| ۱۳۷۷ | ۴۱/۴۰ | ۱۰۲/۷۰ |
| ۱۳۷۸ | ۵۸/۳۲ | ۱۱۳/۰۰ |
| ۱۳۷۹ | ۶۵/۱۱ | ۱۲۱/۰۰ |
| ۱۳۸۰ | ۷۲/۹۳ | ۱۳۳/۵۸ |
| ۱۳۸۱ | ۸۵/۱۳ | ۱۴۶/۹۴ |
| ۱۳۸۲ | ۹۷/۰۰ | ۱۶۲/۹۰ |

Source: <http://www.iranenergy.org.ir/>

۸-۲. پیروی از اصل «تولید انبوه»

اگرچه در علم اقتصاد، اصلی با عنوان «تولید انبوه»^۱ وجود دارد و همواره مورد توجه تولیدکنندگان و مدیران بنگاه‌های اقتصادی بوده است؛ اما به‌دنبال فرایند جهانی شدن اقتصاد و گسترش شعاع عملکرد سازمان جهانی تجارت (به‌ویژه پس از به نتیجه رسیدن گفتگوهای بلندمدت دور اروگوئه، برچیده شدن موانع تعرفه‌ای، آزاد شدن بیش‌تر مبادله کالا و خدمات بین کشورهای عضو و تأکید بیش‌تر سازمان جهانی تجارت بر مزایای نسبی کشورها در تولید کالا و خدمات) اصل تولید انبوه از اهمیت بیش‌تری برخوردار شد. اهمیت مزایای نسبی در تولید به‌گونه‌ای است که سازمان جهانی تجارت به‌طور رسمی اعلام داشت که کشوری مانند ژاپن - که دومین تولیدکننده فولاد در جهان است - هیچ‌گونه مزایایی در تولید این کالای استراتژیک ندارد؛ زیرا تمامی مواد اولیه تولید فولاد را از خارج وارد می‌کند و بهتر است به جای تولید این کالا به تولید کالاهایی از جمله صنایع با تکنولوژی پیشرفته روی آورد که در آن دارای مزایای نسبی است.

1. Economy of Scale

با طرح تولید در بخش‌های دارای مزیت نسبی و تمرکز آن در نقاط محدودتر، اصل تولید انبوه و تولید در مقیاس جهانی از اهمیت بیش‌تری برخوردار شد و به تدریج واحدهای تولیدی با ظرفیت‌های جهانی تشکیل شدند. از دهه ۸۰ میلادی بسیاری از کارخانه‌های فولادسازی، کشتی‌سازی، اتومبیل‌سازی، لوازم خانگی، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های نفتی و پتروشیمی در یکدیگر ادغام شدند و با تشکیل شرکت‌های بزرگ صنعتی و خدماتی و کاهش هزینه تمام شده، توانایی خود را برای رقابت در بازار جهانی افزایش دادند.

با بررسی بخش‌های صنعت و خدمات کشور به محدودیت ابعاد این بخش‌ها پی می‌بریم. بخش‌های صنعت و خدمات ایران از توانایی رقابت با تولیدکنندگان سایر کشورها برخوردار نیستند. برای مثال صنایع تولیدکننده لوازم خانگی کشور، بسیار پراکنده و با تولید بسیار کم قادر به رقابت با کالاهای خارجی نبوده و این نگرانی وجود دارد که در صورت باز شدن مرزها، با وضعیتی همانند آنچه در شوروی سابق روی داد و انبوهی از کارخانه‌های مملو از ماشین‌آلات مواجه شویم که از نظر کیفی، فاقد توان تولید بوده و قابل رقابت با محصولات وارداتی نیستند. بنابراین می‌باید در سیاست‌ها و استراتژی‌های آینده، پیروی از چنین اصلی را در دستور کار قرار دهیم؛ در غیر این صورت سرمایه‌گذاری‌های پراکنده در بخش‌هایی که در آن‌ها دارای مزایای نسبی نیستیم و اصل تولید انبوه را رعایت نکرده‌ایم، اقدامی جز هدر دادن منابع محدود ملی نیست.

۹-۲. سرمایه‌گذاری خارجی

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد؛ استفاده گسترده از ابزار سرمایه‌گذاری خارجی یکی دیگر از دلایل سه‌گانه رشد شتابان اقتصادی در کشورهای جنوب شرقی آسیا بوده است. تولید تکنولوژی به‌طور عمده به‌وسیله کشورهای پیشرفته صنعتی امکانپذیر است و این در حالی است که امریکا نسبت به سایر کشورهای پیشرفته صنعتی، در رتبه بالایی قرار دارد. با بررسی آمار صادرات و واردات کالاهای سرمایه‌ای و به‌ویژه تکنولوژی امریکا مشاهده می‌شود که از نیمه دهه ۶۰ میلادی همواره این تراز مثبت بوده است. به عبارت دیگر امریکا همیشه صادرکننده تکنولوژی به سایر کشورها و مرکز تولید علم در جهان است که برای مثال می‌توان به حضور دانشمندان امریکایی به‌عنوان برندگان اصلی جوایز نوبل اشاره کرد. جالب توجه این که امریکایی‌ها قسمتی از تکنولوژی‌های پیچیده خود را حتی به کشورهای اروپایی و ژاپن نیز صادر نمی‌کنند.

دستیابی به تکنولوژی برای کشورهای در حال توسعه به حدی مهم است که رشد اقتصادی این کشورها بدون ارتباط به مراکز تولید آن امکانپذیر نیست و همچنین بررسی علل رشد اقتصادی در کشورهایی که از مدار توسعه نیافتگی خارج شده‌اند؛ بیانگر رعایت چنین اصلی است. بنابراین اتصال به مراکز تولید تکنولوژی یکی از راهکارهای برون رفت کشورهای در حال توسعه از مدار توسعه نیافتگی است؛ زیرا علاوه بر کشور ما هیچ یک از کشورهای در حال رشد یا تازه صنعتی شده از توان نرم افزاری، سخت افزاری و توان مالی کافی برای تولید علم و تکنولوژی برخوردار نیستند. برای مثال می توان به صنعت خودرو یا صنایع لوازم خانگی اشاره کرد که هنوز پس از گذشت سالها، اتومبیلها و لوازم خانگی و ... به دلیل عدم تزریق تکنولوژی نوین و جایگزین، با همان تکنولوژی چند دهه پیش تولید می شوند.

۱۰-۲. فراهم ساختن بستر لازم برای تراکم سرمایه

نگاهی به روند سرمایه گذاریها در بخشهای گوناگون از جمله صنعت، ساختمان سازی و خدمات (مانند هتل سازی) نشان دهنده کوچک شدن میزان سرمایه گذاریهاست که از مهم ترین دلایل آن عدم اعتماد سرمایه گذاران یا نبود ابزار مناسب تأمین منابع مالی برای سرمایه گذاری است.

در حال حاضر بخش خصوصی به سرمایه گذاریهای سنگین تمایلی نشان نمی دهد و حتی بخش ساختمان که تا کنون در آن سرمایه گذاری می کرد را رها کرده و انبوه سازی با تکنولوژی مدرن جای خود را به ساختمان سازی سنتی و بدون تکنولوژی داده است. بنابراین آنچه باید انجام گیرد بازگرداندن اعتماد به سرمایه گذاران و فراهم ساختن زمینه تراکم سرمایه است؛ در غیر این صورت ادامه روند فعلی جز ورشکستگی اقتصادی نتیجه دیگری نخواهد داشت.

نتیجه گیری

در راستای دستیابی به برخی از موانع تولید به سه عامل کلیدی و مهم اشاره شد که این سه عامل عبارت بود از: بازار سرمایه، سرمایه گذاری خارجی و سهم سرمایه گذاری در تولید ناخالص داخلی و همچنین آمار و ارقامی در این خصوص آورده شد. هر سه عامل یاد شده از نقاط ضعف متعددی برخوردارند و لازم است برای دستیابی به رشد اقتصادی، این نقاط را تقویت و

به سطح استانداردهای مورد نظر رساند. مسلم است که چنین امری امکانپذیر نخواهد بود مگر آن‌که موانع موجود بر سر راه این شاخص‌ها و در نتیجه موانع پیش روی تولید از میان برداشته شود. از جمله اقدامات مهم در این‌باره عبارتند از:

۱. اصلاح مکانیسم حساب ذخیره ارزی،
۲. تقویت نقش مؤسسه‌های اعتباری توسعه‌ای،
۳. بازبینی در قانون تجمیع عوارض،
۴. بازبینی در قانون مالیات‌های مستقیم،
۵. لغو بخشنامه‌های ممنوعیت شرکت‌های دولتی از سرمایه‌گذاری،
۶. افزایش نقش بازار سرمایه در تجهیز منابع مالی،
۷. بازبینی تعیین قیمت انرژی و استفاده از مزایای نسبی کشور،
۸. پیروی از اصل «تولید انبوه»،
۹. سرمایه‌گذاری خارجی،
۱۰. فراهم ساختن بستر لازم برای تراکم سرمایه.



منابع و مآخذ

۱. براساس آمار معاونت توسعه و فناوری، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۸۵.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۲،
۳. آرمان، بهمن، «نقش بازار سرمایه در تأمین سرمایه‌گذاری‌های جدید»، بخش بررسی‌های اقتصادی، انتشارات بورس اوراق بهادار.
۴. سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، <http://www.cbi.ir>.
۵. سایت رسمی معاونت برق و انرژی وزارت نیرو، <http://www.iranenergy.org.ir>.
۶. قیمت‌های سالانه اعلام شده به‌وسیله شرکت ملی گاز ایران در بودجه سالانه شرکت.
۷. مصوبات قانونی بودجه عمومی کشور در سال‌های مختلف.
8. International Monetary Fund (I.M.F) Report. <http://www.imf.org/external/data.htm>
9. International Monetary Fund (I.M.F) Report. <http://www.imf.org/external/data.htm>
10. Yearly Federation Internationale des Bourses de Valeur (F.I.B.V) REPORT 2003.
11. Yearly Report, 2003, United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD). <http://www.unctad.org>
12. Yearly Report, International Energy Agency, (IEA), <http://www.iea.org/>